

شنیدن با گوشی، مسئله این است

روح الله حبیبیان



در جایی مثل عروسی پسر خواهر باجنابان نشستیم و صدای یک خانم باجی از بلندگوها بلند شد که اراجیف و خزعلات مختلف را با آهنگی که ضریبان قلب و نبض ما را با خود هماهنگ کرده می‌خواند و ملت هم ناخواسته مشغول حرکات موزون شده‌اند دیگر تکلیف روشن است که این همان موسیقی حرام است که محکم‌ترین روایات در مورد شنیدن آن صادر شده و آثار منفی آن بر روح انسان از طرف علمای اخلاق همواره تذکر داده شده و این مشکلات هم با اظهار تأسف و ناراحتی درونی حل نمی‌شود و باید زود فلنگ را بست.

از طرف دیگر اگر موسیقی حلالی در جایی مشغول پخش بود، هیچ دلیلی بر تنگ کردن خلق افراد حاضر و تحقیر و توهین به خواننده و نوازنده و شنونده نداریم. البته ذکر این توضیح هم ضروری است که بر خلاف تصور مشهور که گفته می‌شود موسیقی غذای روح است و بدون آن انسان دچار نقص و کمبود است و این غذای روح هم بر موسیقی‌های موجه تطبیق می‌شود، اگر نیازی به موسیقی باشد منظور نغمات و صداهای آهنگین است که در غالب‌های گوناگون عبادی و سنتی در دین و فرهنگ ما وجود دارد و مثلاً این نیاز روحی ما با شنیدن صدای خوش اذان یا نغمات عادی مانند آن، به بهترین شکل برآورده می‌شود و نیازی به گوش دادن به انواع و اقسام موسیقی سنتی و مدرن نیست. خلاصه حواس‌مان باشد که موسیقی حلال را موسیقی واجب و لازم نپنداریم.

«غنا» چیست؟

طبق قانونی که در گذشته هم بارها به آن اشاره کردیم اصل در اکثریت اعمال و رفتار انسان جواز و حلیت است و این حرمت و اشکال شرعی است که نیازمند دلیل است. در خصوص شنیدن موسیقی اعم از صدای سازها یا صدای انسان که به شکل موسیقایی ادا می‌شود هم

گوناگونی را در زندگی ما در برمی‌گیرد. از قبیل حدود مجاز خوانندگی - استفاده از آلات موسیقی - خرید و فروش و نگهداری از این آلات و ابزار - شنیدن ساز و آواز - تک‌خوانی و جمع‌خوانی زنان برای مردان و... که هر یک از این موضوعات برای خود بحث مفصل و پیچیده‌ای دارد. (که نمونه استفتائاتی که از مراجع تقلید پرسیده شده را در صفحات قبل مشاهده کردید). اما مهم‌ترین مسئله در این زمینه که شاید مبتلا به‌ترین و پر دغدغه‌ترین موضوع در بین این موارد باشد، همان شنیدن این نغمه‌ها و ساز و آوازا و تشخیص مرز بین موسیقی حلال و حرام است.

اگر از برخی دیدگاه‌های افراطی و تفریطی که یا هر نوع صدایی را حرام می‌دانند و یا همه انواع موسیقی‌ها را در دوران کنونی حلال می‌پندارند صرف نظر کنیم در یک تقسیم بندی ساده می‌توان گفت انواع موسیقی‌ها و آوازا به سه گروه مشخص تقسیم می‌شوند:

۱. ساز و آواز حلال و مشروع که تردیدی در حلیت آن نیست.
 ۲. ساز و آواز حرام و نامشروع که تردیدی در حرمت آن نیست.
 ۳. موارد مشکوک و بینابین که هم یقین به حرمت آن‌ها نداریم و نمی‌توان قطعاً آن‌ها را حلال دانست.
- در واقع مشکل اصلی بر سر موارد و مصادیق دسته سوم و رسیدن به یک قاعده و قانون مشخص برای تشخیص تکلیف شرعی در وقت مواجهه با این موارد مشکوک و غیر یقینی است والا تکلیف در مورد موارد یقینی، روشن و واضح است.

توضیح و اباحت

هر چند تکلیف در بخش اول و دوم روشن است اما از آن‌جا که روزگار بد روزگاری شده و همه چیز؛ حتی بدیهیات نیاز به توضیح دارد بد نیست بگوییم که اگر

«مسافر با چهره‌ای برافروخته دوباره تکرار می‌کند: «آقای راننده عرض کردم اون نوار رو خاموش کن» راننده نیم‌نگاهی از توی آئینه به او می‌اندازد و می‌پرسد: مشکلی پیش اومده؟»

مسافر ناراحت‌تر از قبل پاسخ می‌دهد: «بله آقا معلومه که مشکل پیش اومده. اون مزخرف رو خاموش کن!» - «داداش ادب داشته باش... هر کی سلیقه‌ای داره، اصلاً من اختیار ماشین خودمو که دارم؟!»

- «اولاً گوش دادن به موسیقی حرام اصل بی‌ادبی و بی‌سلیقه‌گیه. ثانیاً: اختیار گوش مسافرات رو که نداری!» - خیلی مشکل داری می‌تونی پیاده‌شی. ولی من نوارمو خاموش نمی‌کنم...»

این قبیل بگو مگوها هر چند اکنون کمتر دیده می‌شود، اما لااقل در سال‌های نه چندان دور، برای مذهبی‌ها در ماشین‌های عمومی شهری و بین‌شهری زیاد پیش می‌آمده و معمولاً یکی از معضلات و مشکلات اصلی مسافرت برای متدینین و بچه مذهبی‌ها همین معضل استفاده راننده‌ها از نوارهای غیر مجاز و حرام بوده و تا حدودی اکنون هم هست.

اصولاً مشکل موسیقی و ساز و آواز یکی از امور پیچیده و بسیار مورد ابتلاء در عرصه دین‌داری است که نه می‌توان خود را به طور کامل از آن جدا کرد و نه می‌توان بی‌خیال آن شد و تابع جو و محیط بود و هر چه پخش شد را گوش داد.

در هر صورت رسیدن به یک درک صحیح و تشخیص درست در این مقوله و حل برخی ابهامات و پاسخ دادن به برخی شبهات در این خصوص، محور اصلی این شماره احکام آشنا را به خود اختصاص داده است که امیدواریم موضوعات انتخاب شده در این بحث تا حدودی مفید و راهگشا باشد.

تقسیمی ساده:

آنچه مسلم است موسیقی و خوانندگی ابعاد و جهات

باشد، اما همان آهنگ عده‌ای دیگر را کاملاً از حال طبیعی خارج کند.

به عبارت دیگر وضعیت انواع مختلف آوازها و آهنگ‌ها برای افراد مختلف به هیچ وجه یکسان نیست. حتی ممکن است یک فرد در شرایط مختلف در برابر یک آهنگ معین وضعیت دو گانه‌ای داشته باشد. در این صورت تکلیف چیست؟

طبق نظر مراجع معیار و میزان در تشخیص مطرب بودن یا نبودن یک موسیقی وضعیت متعارف و طبیعی در افراد معمولی و متدین است نه وضعیت فعلی هر فرد، یعنی در برابر هر موسیقی مشکوک باید دید برای عرف و توده جامعه این نوع آهنگ محرک و مهیج است یا نه و این آهنگ هر چند فعلاً ما را از حال طبیعی خارج نمی‌کند - آیا شأنیت تغییر حالت طبیعی در افراد عادی را دارد یا خیر؟ اگر این گونه بود این آهنگ یا آواز مطرب محسوب می‌شود و شنیدن آن حرام است البته ناگفته نماند که تشخیص این مسأله که این موسیقی شأنیت مطرب بودن را دارد یا خیر بر عهده خود مکلف است.

در نتیجه اگر فردی به‌خاطر این که آخر گوش دادن به انواع موسیقی‌های لب حوضی و کلاسیک و غیر کلاسیک و این‌ور آبی و آن‌ور آبی است و دیگر با هر آهنگی حالی به حالی نمی‌شود یا کسی که به خاطر اشتباه در انتخاب رشته یا قبول نشدن در کنکور یا هر مصیبت دیگری الان با تندترین آهنگ‌ها هم آشکش جاری می‌شود و تحریک نمی‌شود نمی‌تواند خود را معیار تشخیص مطرب و لهنوی بودن انواع موسیقی بدانند.

ادامه دارد...

معیار چیست؟

مشکل اصلی در این بخش آن است که چه معیار و میزانی در تشخیص میزان حرام تغییر حالت روحی و روانی وجود دارد و مطرب بودن را چگونه باید سنجید؟ زیرا هر نغمه زیبایی حتی قرائت قرآن و مدح اهل بیت و مانند آن هم گاهی تأثیرات شدیدی در نشاط و انبساط یا حزن و اندوه بر روح انسان می‌گذارد که یقیناً این موارد نمی‌تواند حرام محسوب گردد.

در پاسخ به این سؤال باید گفت اولاً تأثیرات روحی چه در بُعد شادی و نشاط، و چه در حزن و اندوه ماهیتی دوگانه دارد و گاهی کاملاً معنوی و دین‌مدارانه است. مانند آن چه در خصوص مناجات‌های حضرت داوود علیهِ السلام یا قرائت قرآن امام سجاده علیهِ السلام نقل شده که شنوندگان را می‌خکوب می‌کرد. اما عامل جذب آن‌ها به معنویت و حقیقت‌های عالم و غفلت‌زدایی می‌شد.

اما گاهی کاملاً غفلت‌زا و دین‌گريزانه است. مانند آوازهای گوناگون مجالس رقص و پایکوبی و مشتمل بر توصیف زنان و زیبایی‌های آن‌ها یا شکوه از دنیا و تقدیر و حکمت خداوند و... که این تأثیرات شدید روحی جنبه دوری از فضایل و معنویات را دارد و فرد را به گناه و تساهل در امور دینی سوق می‌دهد. ثانیاً معیار و میزان در تشخیص مطرب بودن یک آهنگ یا نغمه دارای ظرافت و دقت خاصی است.

شأنی یا فعلی؟

مشکل از آن‌جا آغاز می‌شود که چه بسا یک موسیقی برای بسیاری از افراد حالت اطراب و تأثیرگذار نداشته

مسأله همین است و باید دید در چه مواردی این نغمات عنوان حرام پیدا می‌کنند.

اولین عنوان که مربوط به صدای انسان است عنوان «غنا» است. براساس آیات و روایات گوناگون شنیدن صدایی که غنا محسوب شود قطعا و بی‌تردید حرام است. اما مشکل این‌جاست که از گذشته تا حال در تعریف و تشخیص درست واژه غنا و شناخت مصادیق آن اختلافات زیادی بین علما و فقها وجود داشته و دارد. آنچه تقریباً مورد اتفاق و قبول اکثریت فقها است. این که غنا نوعی از خوانندگی است که همراه با گردش صدا در حنجره یا به اصطلاح تحریرزدن (تقریباً همان چهچهه زدن خودمان) و نازک نمودن صدا باشد و طرب‌انگیز و متناسب با مجالس و محافل خوش‌گذرانی و عیاشی است، در نتیجه چنین نغمه‌ای چه از زن باشد و چه مرد خواندن و شنیدنش حرام است.

هر چند این تعریف تا حدودی مبهم شد اما لاقلاً بسیاری از ترانه‌ها و آوازهای خوانندگان آن‌ور آبی، به‌خصوص خوانندگان زن یقیناً در این تعریف داخل می‌شوند.

موسیقی مطرب

عنوان دیگری که معروف‌تر و کاربردی‌تر است عنوان موسیقی مطرب است که بر خلاف مورد قبلی بیش‌تر بر صدای سازها و ابزار و آلات موسیقی منطبق می‌باشد. هر چند بر آواز انسان هم طلاق می‌شود.

طبق نظر همه مراجع موسیقی و آواز مطرب (یعنی طرب‌انگیز) حرام است این موسیقی که موسیقی لهنوی هم نامیده می‌شود به‌اصواتی گفته می‌شود که وضعیت طبیعی روح و روان انسان را دستخوش تحریک و تغییر کرده به نوعی او را به وجد می‌آورد که از حالت عادی خارج شده و برای مدتی از توجه به فضایل و کمالات اخلاقی و معنوی غافل کرده و شخص توجه به عقلانیت و معنویت را از دست می‌دهد.

در حقیقت عنوان مطرب تنها بر موسیقی که ناخواسته اعضاء بدن انسان را به حرکت و همراهی وادار می‌کند اطلاق نمی‌شود. بلکه شامل هر نوع موسیقی که دارای ریتم و ضرباهنگ یا فرم خوانندگی و نوازندگی که انسان را - حتی از درون - به نوعی نشاط غیر عادی و فوق‌العاده می‌کشاند، می‌شود.

البته باید توجه داشت که معیار مطرب بودن تنها به شادی‌بخش بودن اطلاق نمی‌شود. بلکه معیار خارج کردن انسان از حالت طبیعی و عادی روحی و روانی است.

در نتیجه اگر یک نغمه یا موسیقی انسان را به حزن و اندوه شدید هم بکشاند به همان شکل که او را از حالت طبیعی خارج سازد موسیقی مطرب محسوب می‌شود و حرام است در نتیجه برخی از ترانه‌های آن‌ور آبی که به عنوان ترانه‌های غمناک معروفند و حتی آهنگ‌چندان تندی هم ندارند می‌توانند در این عنوان قرار داشته باشند.

